

گفته شده نوشتن وصیت نامه پیش از اینکه یک اجل از در آید، مستحب موكد است اما نسبت به کسی که حقوقی از خلق الله بر ذمه دارد واجب شرعی است، درست مانند نماز صبح، که اگر به دست فراموشی سپرده شود، فقط خدا می داند چه آثار ما تاخر وخیمی، در پی دارد.

اگر سری بزیند به متون معارف مکتوب ، اقتدر سفارش در باب وصیت می بینید که انگشتت به دهان می مانی! مثل این روایت که: «من مات بغیر وصیة مات میتة جاهلیة.» کسی که بی وصیت از دنیا برود به مرگ جاهلیت مرده است.(وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۲). یا این روایت که از زبان حضرت آفتاب، رسول به حق ناطق، صادر شده است که: ما ینینی لامرء مسلم ان یتت لیلۃ الا و وصیته تحت راسه» سزاوار نیست مسلمان شب بخوابد مگر اینکه وصیت نامه اش زیر سر او باشد»(همان).

وصیت خدا درباره نوشتن وصیت نامه

وصیت البته عنوانی است فراگیر. وصیت به این معنای عام، شامل دستورات الهی هم می شود. نخست وصیت نامه نگار، خود خداوند است. «إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ (انعام/۱۱۴)». حال ببینیم وصیت خداوند در قرآن پیرامون وصیت چیست؟ در قرآن دست کم دو آیه هست که در آن پیرامون وصیت، سخن رفته است.

۱. بقرة /۱۸۰: كَتَبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْوَالِدِيْنَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ إِنْ رَسَدَ، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذاره، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کن! این حق است بر پرهیزکاران!]

اندکی وقت به خرج دهیم در تمایز این آیه، تا ببینیم رهاورد این نکته سنجی چه خواهد بود.

یک. از تعبیر "کتاب" چه می فهمیم؟ این شیوه سخن گفتن در فرهنگ قرآن، در جایی به کار می رود که بای حکمی در میان باشد که از نقطه نظر شرعی، انجامش واجب است. مثل "کَتَبَ عَلَيْكُمُ الضِّيَامُ" (بقره/۱۸۳) یا "كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ" (بقره/۲۱۶). اگر فقط صدر آیه را در نظر بگیریم باید بگوییم وصیت نامه، واجب شرعی است. اما ذیل آیه، عبارتی آمده است که خط بطلان می کشد بر این دیدگاه. چون انتهای آیه می فرماید: حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ . اگر وصیت نامه نویسی، تکلیفی واجب بود، باید می گفت: "حقا علی المؤمنین".

ناگفته نماند اینجا یک اختلافی است بین اهل تفسیر. برخی می گویند آیه قانون ارث، این آیه را نسخ کرده است. علامه

آیا نوشتن وصیت، مرگ را جلو می اندازد؟

در المیزان جواب این عده را اینگونه داده است که: به فرضی که این سخن درست باشد، وجوبش نسخ شده نه استحباب، و اصل محبوبیتش. و شاید تقیید کلمه حق به کلمه (متقین) هم برای افاده همین غرض باشد.(المیزان، ج ۱، ص ۶۶۷)

دو. "اذا حضر احدکم الموت" یعنی وقتی نشانه های مرگ ظاهر شد نوشتن وصیت نامه را جدی بگیرد. روی همین حساب، بعضی از بزرگان پیش از سفرهای طولانی یا ماموریت هایی که بیم خطر در آن می رفت، به نوشتن وصیت نامه اهتمام می ورزیدند. صدالبته نباید از این عبارت چنین برداشت شود که در حالت عادی، نوشتن وصیتنامه مهم نیست و می توان آن را به تاخیر انداخت. ما باید آیه را در پرتو سنت و روایات ذیل آیات ببینیم. روایاتی هست که در آنها تاکید شده است که بهتر است انسان در اولین فرصت، به این امر مستحب، عمل کند. بنابراین این قید، ناظر به آخرین فرصت باقیمانده است که اگر از دست رود دیگر بر نمی گردد. سه. تعبیر "ان ترک خیرا" . خیر در اینجا به معنای ثروت مادی است. شاید تعبیر از مال به خیر برای این است که باید از طریق خیر و مشروع بدست بیاید و بطریق مشروع صرف شود زیرا مالی که از طریق مشروع تحصیل نشود خیر نیست بلکه شر است و اولاً باید خود شخص به صاحبانش رد کند و اگر نتوانست وصیت کند که به صاحبانش رد کنند یا از جانب آنها رد مطالب دهند.(طیّب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۲۱) چهار. تعبیر "الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْوَالِدِيْنَ" نشان می دهد که والدین که بر گردن انسان حق بیشتری دارند نسبت به دیگران حتی بستگان نزدیک، اولویت دارند.

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می رسد که انسان باید وصیت خود را وسیله ای برای جبران و ترمیم کوتاهی های گذشته قرار دهد، حتی اگر کسانی از بستگان نسبت به او بی مهری داشتند از طریق وصیت، به آنها محبت کند. در روایات می خوانیم پیشوایان اسلام مخصوصاً نسبت برای خویشاوندانی که از بی مهری یا آنها در می آمدند وصیت می کردند و مبلغی را برای آنها در نظر می گرفتند، تا رشته گسسته محبت را دو باره برقرار سازند، بردگان خود را آزاد می کردند یا وصیت به آزادی آنها می نمودند.(تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۱)

پنج. تعبیر "بالمعروف" حاکی از آن است که شیء مورد وصیت، با وضعیت وصیت کننده و موصی له (شخصی که به

میان وسایل خود پنهان کرد و اموال خود را به آن دو مسیحی داد که به وارثان بدهند. پس از مرگش. آن دو نفر در میان اثاثیه ی او اجناس گرانبهایی دیده و برداشتند، پس از مراجعت به مدینه، باقی آنها را به وارثان دادند. ورثه، وصیت نامه را در میان وسایل دیدند که صورت همه ی اثاثیه در آن ثبت شده بود. چون مطالبه کردند، آن دو مسیحی انکار کردند، شکایت را نزد پیامبر بردند. در این هنگام بود که آیه ی فوق نازل شد.طبق حدیثی از اصول کافی، پیامبر از آن دو سوگند گرفت و تبره شان کرد؛ ولی چون دروغشان از طریق نامه کشف شد، حضرت بار دیگر آن دو را احضار کرد. وارثان سوگند یاد کردند که اجناس دیگری هم بوده و آنها را پس گرفتند.(تفسیر نور ج ۲ ص ۳۸۷)

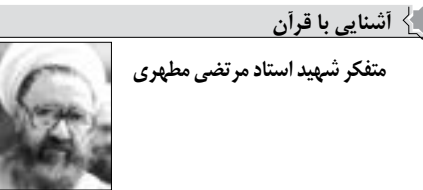
این آیه کریمه نیز نکته ها و آموزه هایی دربردارد از جمله: یک. "حق الناس" اقتدر مهم است که از طریق وحی برای آن متن "سوگندنامه" دیکته می شود چنانکه می فرماید: فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا.. (همان) یک. هنگام نماز، معنویت و تقوا بیش تر می شود؛ از این رو گفته شده که گواهی شاهدان، بعد از نماز باشد.

دو. ادای سوگند بعد از هر نمازی می تواند باشد، ولی در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام، به خصوص نماز عصر تعیین شده است که جنبه ی استحبابی دارد؛ چون در صدر اسلام، در نماز عصر، عده بیشتری شرکت می کردند و غالباً وقت قضاوت بود.

سه. قسم خوردن بعد نماز، برای هنگامی است که در راستگویی شاهدان شک و تردید باشد و در این آداب تفاوتی بین مسلمانان و غیر مسلمانان نیست. اما چنانچه شک نباشد، شهادت دو نفر عادل، بدون سوگند هم پذیرفته می شود؛ پس حکم آیه ی فوق نسخ نشده و اختصاص به غیر مسلمانان نیز ندارد.

چهار. سوگند یکی از راه های رفع شک است و زمانی معتبر است که به نام «الله» باشد.(تفسیر قرآن مهر، ج ۵، ص ۳۴۹) عمل به این سنت حسنه، برکات فراوانی دارد از جمله: یاد مرگ و غفلت زدایی، احترام به حقوق دیگران، جبرات مافات، استمرار اهداف شخص در حیات دنیوی، پر کردن خلایح اقتصادی در میان بستگان و خویشان، یاد نیک در تاریخ. جلب محبت دیگران و...

حیات کلام اینکه تا منادی ندا درندها و خواجه هنوز در قید خیمت هست، وصیت نامه را می توانی پشت گوش بیندازی. اما بدان که جناب عزرائیل با هیچ سب عقد اخوت نیسته است. از ما گفتن بود دیگر تصمیم با خودت.



آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انفطار

اشعار منسوب به امیرالمؤمنین و سیدالشهداء
اشعاری است که هم به مولای متقیان حضرت علی(ع) منسوب است و هم به حضرت سیدالشهداء(ع). (سیدالشهداء) در جریان سفر کربلا این اشعار را می خوانده اند. اگر این اشعار مال امیرالمؤمنین باشد، اشعار پدرشان را می خوانند و اگر نه، ممکن است انشاء خودشان باشد.) می فرماید:

و ان تکن الدنيا تعد نفيها

فقد اواب لله اعلى و ائبل

اگر چه دنیا خیلی نفیس و زیبا شمرده می شود، اما خانه پادشاه الهی بسیار برتر، نبیل تر، عظیم تر و بالاتر است (یعنی اگر بخواد به آن مقایسه شود، قابل مقایسه نیست).

و ان تكن الاموال للترك جمها

فما بال متروك به المرء يخل

اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا انسان بخل بورزد؟ چرا انفاق نکند؟! چرا در راه خیر و راه رضای خدا مصرف نکند؟! (وقتی در این راهها مصرف کند، در واقع برای خودش هم ذخیره کرده است)

و ان تكن الابدان للموت انشأت

فقتل امری بالسيف في الله اجمل

اگر بدن‌ها برای مردن خلق شده است و پایان کار بدن‌ها مردن است، چه زیباتر از این که بدن انسان در راه خدا با شمشیرها قطعه قطعه شود؟! مرگ زیبا! مرگ شگفتگ! مرگ خوشگل! مرگ هم بدگل و خوشگل دارد. مرگ هم زیبا و نازیباز دارد. مرگ هم باشکوه و حقیر دارد. مرگ هم باعظمت و کوچک و بیست دارد.

مرگ کی و کیست

بعضی مرگ‌ها واقعا زیباست؛ مرگ خود علی را ببینید، چقدر زیباست! من مکرر عرض کرده‌ام که زندگی مولا علی(ع) دوره‌های مختلفی دارد که در هر یک از این دوره‌ها علی(ع) یک نوع زندگی دارد برحسب آنچه که با آن مواجه است.

دوره اول: از اول کودکی تا بعثت رسول اکرم(ص). دوره دوم: از بعثت تا هجرت رسول اکرم(ص). دوره سوم: از هجرت تا وفات رسول اکرم(ص). دوره چهارم: از وفات رسول اکرم(ص) تا رسیدن به خلافت. دوره پنجم: آن چهار سال و چند ماه خلافت تا سحر نوزدهم ماه رمضان و دوره ششم: از سحر نوزدهم ماه رمضان تا نیمه شب بیست و یکم که در حدود چهل و پنج ساعت می‌شود. این چهل و پنج ساعت از زندگی علی(ع)، زیباترین قسمت‌های زندگی اوست؛ یعنی همان وقتی که با مرگ عملاً مواجه است و سرش تا پیشانی با شمشیر مسموم شکافته شده. آنجا تجلیات روح علی(ع) خیلی بیشتر از هر وقت دیگری نمایان است، تا همان آخرین لحظه‌ای که شهادتین را می‌گوید. چقدر این مرگ زیباست.

زیبایی و شکوه شهادت اباعبدالله

شهادت اباعبدالله را ببینید. انسان طبعاً از بازگو کردن مرگ لذت نمی‌برد. اگر یک مرگ، عادی باشد، انسان یکی دو بار بشنود، خسته می‌شود و نمی‌خواهد بشنود ولو آن طرف را خیلی دوست داشته باشد و برایش عزیز باشد. مثلاً اینکه فلان کس تب کرد و دمای بدنش ۴۱ درجه بود و هذیان می‌گفت و دهانش بوی تعفن داشت و شکمش چنین بود... انسان یک دفعه بشنود، دفعه دوم اصلاً رغبت ندارد که بشنود.

ولی چرا شهادت اباعبدالله در همان حالی که برای انسان رقت‌آور است زیبا و باشکوه است و یک نوع لذتی از آن می‌برد، از آن لذت‌هایی که انسان از مشاهده عظمت (وقتی خودش را در مقابل یک عظمت می‌بیند) برایش حاصل می‌شود. لهذا اگر انسان صد بار هم شنیده باشد، باز وقتی که می‌شود مثل آنچه چیز تازه‌ای شنیده است. این است که می‌فرماید: قتل امری بالسيف في الله اجمل. اولاً کشته شدن با مردن خیلی فرق می‌کند. ثانیاً کشته شدن‌ها هم فرق می‌کند.

یک وقت انسان کشته می‌شود چون اتومبیل او را زیر می‌گیرند، و یک وقت کشته می‌شود در میدان جنگ است، با شمشیر و در عالم مردانگی. مرگ اگر فی الله باشد و به صورت قتل و با شمشیر باشد (مرگ سرخ باشد) این دیگر زیباترین مرگ‌هاست. قتل امری بالسيف في الله اجمل. این جمله‌ها خیلی عجیب است.

این است که ما می‌بینیم شهادت اباعبدالله(ع) واقعا عظمت دارد. آیا این عظمت نیست یک مرد [چنین حالی داشته باشد که] به قول آن راوی: و الله ما رايت مكسورا قط قد قتل ولده و اهل بيته و اصحابه، اربط جاشا منه.

ما شکسته‌دلی و مصیبت‌زده‌ای در عالم مانند او ندیده‌ایم که در یک روز فرزندانش و اهل بیت و خاندانش کشته شده باشند و در همان حال مثل کوه [آرام و متین باشد]. به تنهایی حمله می‌کرد و دشمنان مثل گله رویه که در جلو شیر قرار بگیرند فرار می‌کردند.

مقدار زیادی آنها را تعقیب می‌کرد ولی خیلی جلو نمی‌رفت، چون نمی‌خواست از خیمه خاندانش دور باشد. قبلاً به اهل بیت سپرده بود که از خیمه‌ها بیرون نیایند و آنها هم بیرون نیامدند. نقطه‌ای را انتخاب کرده بود که از آن نقطه صدای مبارکش به خیمه‌ها می‌رسید. حضرت که می‌رفت و برمی‌گشتت و می‌دانست که اهل بیتش می‌دانند که او شهید می‌شود، برای اینکه آنها مطمئن باشند که هنوز حسین زنده است به آن نقطه که برمی‌گشت صدای مبارکش را بلند می‌کرد:

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم که آنها وقتی این صدا را می‌شنیدند آرام می‌گرفتند. چقدر عظمت دارد! چقدر شکوه دارد! در آن آخرین لحظات «فوقف ليستریح ساعة» توقف کرد یک قدری استراحت و رفع خستگی کند.

اول سنگی به پیشانی مبارکشان می‌رسد، حضرت خون‌ها را پاک می‌کند، بعد تیری می‌رسد، دیگر تاب ایستادن روی اسب را ندارد. در همان حال صدا می‌زند: بسم الله و بالله و علی مله رسول الله، رضی بقضائک و تسليما لامرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین.

(چقدر اینها عظمت دارد) خدایا! راضی هستم به آنچه که تو بخوای و در راه تو باشم. این قلب من، این عقربه روح حسین جز به این قطب، متوجه هیچ چیزی در هیچ حالی نمی‌شود.

۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۲	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۳	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۴	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۵	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۶	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۷	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۸	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۹	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۰	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۱	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۲	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۳	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۴	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب
۱۵	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب	و	ب

جواب جدول شماره ۹۴/۲۲۸

افقی:

- ۱- شه‌رهای شم‌الی عراق- کوهی در لرستان
 - ۲-ها- از میوه‌های پرزدار- تیز
 - ۳- خواب نیست- کامل کننده- همسر مرغ
 - ۴-سرپرست- آسمان- گندم آسیاب شده- آسانی
 - ۵- خوب و زیبای خارجی- باربر بی‌زبان- تکخال
 - ۶-ایوان تاریخی- محل خروج
 - ۷-فرمانروا- خیابان بیرون از شه‌ر- از شهرهای پاکستان
 - ۸-مقابل توحید- ناخوب- بدون- گنگ
 - ۹-عبور کردن- آهنگر اسطوره‌ای- نامی دخترانه
 - ۱۰-خواربارفروش- فقر- دروازه دهان
 - ۱۱-یکمصد مترمربع- خط‌کش مهندسی- از موصولات- فلج
 - ۱۲-حمّامی در کاشان- ذره باردار شده- ماه- مادر ترکی
 - ۱۳-افسرده- مفهوم- زیان
 - ۱۴-درس ناخوانده- هدف- علامت مصدر
 - ۱۵-نگرفتن- از رودهای عراقی
- عمودی:**
- ۱-کسری- بساط حکومت صفوی را برچید
 - ۲-پهلوان- سرکشی- چرک
 - ۳-از توابع شیراز- شبی- انگیزه‌ها
 - ۴-دوستی- فرمان- امعان نظر- ظاهر ساختمان
 - ۵-مدرک پرداخت پول- از مشاغل

جدول شماره ۹۴/۲۲۸

۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

طرح: عصر مردم

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۰۲

6	8	4			
2	1	9	7		
9	4	3	8	7	1
			5	4	9
	2			8	
7	4	2			
1	9	4	2		7
			5	9	1
2	3				9

جواب جدول شماره ۹۴/۲۰۱

4	1	3	7	5	2	9	6	8
6	7	5	4	8	9	2	3	1
9	8	2	3	1	6	5	4	7
1	2	4	9	6	8	3	7	5
5	3	8	1	4	7	6	9	2
7	9	6	5	2	3	8	1	4
2	6	1	8	3	4	7	5	9
8	4	7	6	9	5	1	2	3
3	5	9	2	7	1	4	8	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.